



مرکز مطالعات اندیشه و دعوت اسلامی  
Research Center for Thought  
and Islamic Dawah

## محمد ﷺ، آنکه جهان را طراوتی دوباره بخشید

**به قلم:** عبدالحفیظ عربی / عضو مرکز مطالعات اندیشه و دعوت اسلامی (افغانستان)

نادانی، ستم، اختلاف، جنگ، شرک و گمراهی از ویژگی‌های بارز آن روزگار بود. بت پرستی، میگساری، قماربازی، پوچگرایی و استبداد موج می‌زد. تعصبات نژادی و قبیله‌ای بیداد می‌کرد. غارتگری، چپاول و راهزنی امان انسان‌ها را بریده بود. هیچ نشانی از امنیت، نظام، حکومت و قانون وجود نداشت. انسانیت به قدری سنگدل شده بود که دختران را زنده به گور می‌کرد و از ترس فقر و افلاس فرزندان را می‌کشت. زنان از هیچ ارزش اجتماعی برخوردار نبودند. تمامی مذاهب بزرگ جهان و کتب دینی قدیم دستخوش تحریف گشته، ماهیت و روح اصلی خود را از دست داده بود. ارزش‌هایی که پیامبران الهی برای بشریت به ارمغان آورده بود، زیر آوار خرافه‌ها مدفون و توحید خالص برای الله، پشت ابرهای متراکم ناپدید گشته بود. جهان بر لبه پرتگاهی از آتش قرار داشت و بشریت با سرعتی سرسام‌آور به سوی خودکشی در حال حرکت بود. تا اینکه منت و احسان الله متعال شامل حال بشریت گردید؛ نوری درخشید و صبح سعادت طلوع نمود تا نابودی و محو این تاریکی‌ها را آغاز نماید.

آری، محمد ﷺ آخرین سفیر الهی مبعوث گردید و برای بشریت ارمغان‌های ارزنده، عطایای جاویدان و هدیه‌های تازه آورد. محمد ﷺ آمد و صفحه جدیدی در کارنامه بشریت رقم زد که در آن، بشریت به برادری و برابری، رفعت و بزرگی، فرهنگ و تمدن، اخلاص و ربانیت و تعهد اخلاقی و اجتماعی دست یافت. عدالت در اجتماع حاکم گشت و بساط ظلم و استبداد و فساد برچیده شد. مردم از بردگی بندگان رهییدند و به الله یگانه رسیدند. محمد ﷺ در کالبد پژمرده بشریت، روحیه و نشاط، همت و بلندنگری و عزت و کرامت به وجود آورد. با آمدن محمد ﷺ بشریت از یک فصل خشک و پاییزی به فصل گل و بهار منتقل شد. طبیعت‌ها عوض شد. دلها با حرارت ایمان و نیروی مهر و عاطفه نشاط گرفت. عقل‌ها با نور ایمان، روشنی و ضیا گرفت. سرمستی تازه‌ای به انسانیت دست داد و با طعم و مزه بی سابقه‌ای آشنا شد.



محمد ﷺ این پیام‌آور الهی که جهان را طراوتی دوباره بخشید، مردی راستگو و نیکو سرشت بود و از ویژگی‌های اخلاقی والا و صفاتی بسیار پسندیده برخوردار بود. فکر و اندیشه محمد ﷺ از همه مردم کاملتر و دارای مبانی فکری محکم و استوار بود. در میان مردم آن روزگار به شرافت و نجیبی شهره بود. قومش او را صادق و امین صدا می‌زد. در سخاوت نظیر نداشت. بر قله صبر و شکیبایی می‌درخشید. از همه با حیاطر بود. شجاع‌ترین مردمان بود. هیچ کس به زهد و تقوای ایشان نمی‌رسید. در بلندای تواضع و فروتنی قرار داشت. عادلترین انسان‌ها و مهربان‌ترین مردم در حق افراد ضعیف و ناتوان بود. زندگی‌اش مثل دیگر انبای بشر، طبیعی بود و با همه مظاهر خیر و خوبی سرآشتی داشت. اهل عشق و عطر و نیایش بود. گاهی موهایش را بلند می‌گذاشت تا به دوشش برسد. موهای بلندش را همیشه روغن می‌زد و خوشبو نگه می‌داشت. گاهی لباس زرد می‌پوشید و آستین پیراهنش گاهی کوتاه بود. چشمانش را سرمه می‌کرد. کودکان را دوست می‌داشت و می‌بوسید. دختران را مایه خیر می‌دانست. زنان را گرمی می‌داشت. بنا به عرف زمانه‌اش زنان متعددی داشت. در برابر زنان نرمخویی پیشه می‌کرد و سخت نمی‌گرفت. هیچ علاقه‌ای به مال و منال دنیا نداشت. به قول دامادش علی رضی الله عنه سنگی بر سنگی نهاد. زندگی‌اش ساده و بی‌تجمل بود. هیبت و عظمت ساختگی زمامداران را خوار می‌شمرد. گاهی تا هفته‌ها دودی از مطبخ خانه‌اش بلند نمی‌شد. عدالت را در حق همه رعایت می‌نمود و رأفت و مهربانی وی شامل حال حیوانات نیز می‌شد. محمد ﷺ در کارهای خانه با خانواده‌اش همکاری می‌نمود. لباس‌هایش را پینه می‌زد. کارهای شخصی‌اش را خودش انجام می‌داد. به احوال پرسی بیماران می‌پرداخت. به دیدار مسلمانان و غیر مسلمانان می‌رفت و آنان را به سوی ارزش‌ها فرا می‌خواند.

محمد ﷺ مبعوث شد و زندگی‌اش را وقف دعوت امت به سوی ارزش‌ها نمود. با بصیرت و خیرخواهی و با اخلاق نیکو، درستکاری، بردباری و گذشت قلب مردم را به اسلام متمایل کرد. مبنای دعوت محمد ﷺ بر اخلاق نیکو و نرمخویی بود. سخت‌گیری را ناپسند می‌دانست. امر به معروف و نهی از منکر را اساس کارش می‌دانست و بر ترک آن وعید بیان می‌کرد. دلش برای هدایت امتش می‌تپید. برای دعوت مردم به ارزش‌ها، پشت درهای‌شان می‌رفت. هر فرصتی را برای دعوت غنیمت می‌شمرد. در بازارها، در کوه و برزن و در مراسم حج می‌رفت و مردم را به اسلام فرا می‌خواند. محمد ﷺ به خلاف نظام‌های فکری چند خدایی،



تثلیث یا تثویت‌گرایی، توحید نابی را عرضه کرد که انسان‌های معمولی نیز آن را درک می‌کردند. در نظام فکری محمد ﷺ فقط یک خداست که هم اول است و هم آخر و هم ظاهر است و هم باطن. محمد ﷺ در راه دعوت سختی‌های زیادی به جان خرید، اما هیچگاه خسته نشد و دست از دعوت بر نداشت. امتش را دوست داشت و برای رستگاری آنها همیشه در اندیشه بود. به دیدن غیرمسلمانان می‌رفت و آنها را به پذیرش اسلام دعوت می‌کرد و مژده سعادت و خوشبختی می‌داد. وقتی کسی دعوتش را می‌پذیرفت، چنان خوشحال می‌شد که در پوست خود نمی‌گنجید. اما وقتی دست رد بر سینه او می‌زدند، ناامید نمی‌گشت و دست از دعوتش بر نمی‌داشت و برای‌شان دعای هدایت می‌کرد.

محمد ﷺ اهل جنگ و کارزار نبود. جنگ را شوم و خانمانسوز می‌دانست و به یارانش می‌فرمود: «لا تلمنوا لقاء العدو» هیچگاه آرزوی روبرو شدن با دشمن را نکنید. با وجود این، او هم از بلای جنگ در امان نماند. عده‌ای که با طلوع محمد ﷺ تاریکی‌های درونشان بر ملا شده بود، سر ستیز و دشمنی با او گرفتند و در پی اذیت او و یارانش برآمدند. برای نابودی و اضمحلال نهضتش به مقابله برخاستند. عرصه را بر مومنان تنگ کردند و سد راه ایمان آوردن دیگران شدند. به این بسنده نکردند، بلکه به جرم دعوت دادن محمد ﷺ و ایمان آوردن یارانش، آنها به بدترین اهانت‌ها و شدیدترین شکنجه‌ها محکوم شدند. از خانه و کاشانه‌شان طرد شدند. پیوند خویشاوندی از آنها بریده شد. انواع نارواها به آنان نسبت داده شد، بر ریگ‌های سوززان خوابانده شدند، آهن گداخته شده بر جسم‌شان گذاشته شد، شمشیر بر گلویشان قرار داده شد و گرسنگی و تشنگی بر آنها هجوم آورد. محمد ﷺ اما در برابر همه این بی‌مهری‌ها، صبر پیشه می‌کرد و یارانش را به شکیبایی توصیه می‌نمود و وعده بهشت می‌داد. به دعوتش ادامه می‌داد و تا مجبور نمی‌گشت به زور متوسل نمی‌شد.

محمد ﷺ شیوه‌اش بر گفتمان بود. خشونت را راه پیشبرد دعوتش نمی‌دانست. از مهمترین راهبردها و رهیافت‌هایش، راهبرد صلح بود. منطق گفتارش روشن و علنی و همه‌فهم بود. هیچ موردی را در هاله‌ای از ابهام نیچید تا به صورت رازی سر به مهر در تاریخ بماند. در سیرت محمد ﷺ جنگ جایگاه ابزار اضطراری داشت که اگر دعوت اسلام با سازش و صلح نتیجه نمی‌داد، به آن متوسل می‌شد. منش محمد صلی الله علیه وسلم بر صلح طلبی بود و در نهایت تلاش می‌کرد جنگی رخ ندهد. اما وقتی دشمن لجاجت به خرج می‌داد



و وقوع جنگ حتمی می‌شد؛ محمد ﷺ به عنوان یک رهبر مقتدر و شجاع در بحبوحه نبردهای مهم حضور می‌یافت، از لشکر دید و بازدید می‌کرد و از نزدیک جنگ را مدیریت می‌نمود. قبل از اعزام سریه‌ها و برپایی غزوه‌ها به ایراد سخن می‌پرداخت و به رعایت اصول انسانی تاکید می‌کرد و اجازه نمی‌داد حالا که جنگ در گرفته است علاوه بر تحقق هدف، هر امر ناگوار دیگری اتفاق بیفتد. در ماورای جنگ‌های محمد ﷺ سوز و درد سعادت و خوشبختی بشریت و ابلاغ اسلام به آنها نهفته بود. جنگ‌های محمد ﷺ نه به خاطر گسترش دارالاسلام بود و نه برای برپایی دولت مقتدر اسلامی، بلکه به انگیزه اعلاي کلمة الله و ریشه‌کنی فساد، یاری مظلومین، دفع تجاوز، حفظ حریم اسلام و کسر شوکت کفر و طاغوت بود. جنگ‌های محمد ﷺ برای نابودی مخالفان نبود، بلکه به خاطر این بود که بترسند و نجنگند تا هدایت شوند و سرفراز گردند.

در ده سال، از زمان برپایی دولت اسلامی در مدینه تا لحظات واپسین حیات محمد ﷺ قلمرو دعوتش به یک میلیون میل مربع می‌رسید. جالب توجه می‌شود اگر به گفته سفیر اسلام، محمد حمیدالله دقت کنیم تا از شگفتی عظمت محمد ﷺ انگشت به دهان بمانیم. او می‌گوید: اگر تمام کشته شدگان در جنگ‌های عهد رسول الله ﷺ (به جز غزوه بنی قریظه) با نام و نشان معلوم شوند فکر نمی‌کنم آمار تلفات مسلمانان از ۱۵۰ نفر و تلفات دشمن از ۲۵۰ نفر تجاوز کنند.

این اندازه احترام به خون انسان در داستان‌های رزمی بشر امری بی‌نظیر است. آیا می‌توان در تاریخ بشر به جز جنگ‌های محمد ﷺ موردی از جنگ را یافت که موجب ریشه‌کنی باورهای نادرست یا ناهنجاری‌های فرهنگی یک جامعه شده باشد؟ و یا آن را در مسیری روشن قرار داده باشد؟ آیا شمشیر و قدرت اسکندر، چنگیز و ناپلئون توانست زنگار آلودگی‌ها را از روح و قلب انسان‌ها بزدايد؟! خیر، این ویژگی را فقط شمشیر محمد ﷺ داشت که از سر دلسوزی از نیام برمی‌آمد.

ویژگی‌های برجسته اخلاقی محمد ﷺ و منش نیکوی او در دعوتش، باعث شد تا غیر مسلمانان با انصاف هم به بزرگی و عظمت وی اعتراف کنند.

یوهان گوته، فیلسوف و نویسنده معروف آلمانی می‌گوید: «ما اروپایی‌ها با تمام مفاهیم و ارزشهای مان تاکنون نتوانسته‌ایم به جایگاه بلند محمد برسیم».



مرکز مطالعات اندیشه و دعوت اسلامی  
Research Center for Thought  
and Islamic Dawah

جرج برناردشو، نویسنده و نمایشنامه‌نویس بریتانیایی می‌گوید: «جهان نیاز شدید به فردی دارد که از تفکر و اندیشه محمد برخوردار باشد».

تولستوی، نویسنده و رمان‌نویس روسی می‌گوید: «دین محمد سراسر جهان را فراخواهد گرفت؛ زیرا با عقل و دانش مطابقت و هماهنگی دارد».

محمد ﷺ در برهه‌ای وحشتناک و ظلمت‌آمیز، از نقطه کور جغرافیای تاریخ چون نسیم سحرگاهی وزید و به جسم پژمرده و بی‌تحرك انسانیت، حیات و نشاط بخشید و با تربیت مردانی خلاق و وارسته، سرنوشت جهان را به آنان سپرد. اینک پس از گذشت چهارده قرن مردی کوردل از غرب بانگ سر می‌دهد و زبان طعن و اهانت به ساحت آن بزرگ‌مرد تاریخ دراز میکند! مگر او نمی‌داند که عشق محمد در تاروپود دو میلیارد انسان تنیده و در رگ و ریشه آنها جای دارد؟ مگر نمی‌داند زندگی ما بدون محمد معنا ندارد؟

فریاد قلب ما به جهان غرب اینست؛ ای یهود و ای نصارا ای جهان مشرکین! گوش دارید از دل و جان این شعار مسلمین

مرگ بادا بر شما ذلت بیاید تا ابد      قلب ما بر عشق پیغمبر محمد می‌تپد

تهیه شده در مرکز مطالعات اندیشه و دعوت اسلامی

**ارتباط با ما:**

شماره تماس: ۰۷۴۷۸۷۷۸۵۱

وب سایت: [www.adacenter.net](http://www.adacenter.net)

ایمیل: [adacenter.net@gmail.com](mailto:adacenter.net@gmail.com)

کانال تلگرام: <https://t.me/adacenter>

فیسبوک: مرکز مطالعات اندیشه و دعوت اسلامی